الو شرق ۸۸۶۵۴۳۹۰

■ **مشکل ناشی از اطلاعات خانوار را چه کنیم:** خانواده ما که سه نفر است از طرف مرکز آمار ایران دونفره اعلام شده است در نتیجه به اندازه دو نفر یارانه به حساب‌مان واریز کرده‌اند. مثل اینکه راهی برای اصلاح این مشکل وجود ندارد. در سایت هدفمندی یارانه‌ها راه‌حلی ارائه نشده، با تلفن گویا هم که تماس می‌گیریم مدام می‌گوید کارشناسان مشغول پاسخگویی هستند. حتی دو نیمه‌شب هم کارشناسان مشغول صحبت با دیگران بوده‌اند. خواهش می‌کنم راهنمایی کنید.

شهروندی از ارومیه

■ **صفحه ورزشی‌تان زرد شده است:** صفحه ورزشی روزنامه‌تان حتی روی روزنامه‌های زرد ورزشی را هم سفید کرده است. نه تحلیلی ارائه می‌دهید، نه مطلب جالب توجهی چاپ می‌کنید.

یک مخاطب

■ **چند جمله از هشدار تاریخی هاشمی را متوجه نشدم:** هشدار تاریخی آقای هاشمی‌رفسنجانی که روز چهارشنبه کار کرده بودید چند جمله ثقیل داشت که من متوجه نشدم از جمله خط آخر که گفتند «استعمارگران با سیاست شوم «فرق تسد» هنوز به تلاش مذبوحانه خود برای زورگویی و استعمار ایران اسلامی ادامه می‌دهند.» لطفاً نویسندگان «شرق» معنی کنند که این جمله یعنی چه؟

یک مخاطب

شرق: واژه «فرق تسد» یک اصطلاح سیاسی در زبان عربی است که در فارسی می‌توان آن را با اصطلاح «تفرقه بینداز و حکومت کن» ترجمه کرد. در گزارش مذکور این واژه در بیان شخص آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی آمده بود و خبرنگار شرق عیناً مطلب را منتقل کرده است.

■ **تحلیل‌های اقتصادی با رنگ و بوی سیاسی:** متاسفانه تحلیل‌های اقتصادی‌تان رنگ و بوی سیاسی دارد و خالی از محتواست. چیزی که به درد خوانندگان بخورد در این تحلیل‌ها پیدا نمی‌شود و از واقعیت‌ها فاصله دارد. منجمله در مورد هدفمند کردن یارانه‌ها.

یک مخاطب

شرق: تمام کارشناسان اقتصادی اجرای هدفمند کردن یارانه‌ها را به صلاح می‌دانند و ضرورت آن را همواره گوشزد کرده‌اند اما شیوه اجرا و مدیریت اجرای این قانون مورد بحث است. تحلیلگران اقتصادی شرق هم نظرات خود را بر همین مبنا بیان می‌کنند.

■ **شماره حساب کمک به معصومه عطایی را دوباره اعلام کنید:** برای کمک به خانم معصومه عطایی که صورت‌شان با اسید آسیب دیده است دو هفته پیش یک شماره حساب اعلام کردید. این شماره حساب کامل نیست در صورت امکان شماره حساب را مجدداً به دقت منتشر کنید تا در حد توانمان به ایشان کمک کنیم.

یک مخاطب

شرق: شماره حساب عبارت است از: ۳۳۳۲۵۷۵۲۹۰۰۲ بانک ملی مرکزی ۳۲۵۱، شعبه شهرضا به نام معصومه عطایی.

■ **کارشناسان اقتصادی «شرق» تحلیل درستی ندارند:** بسیاری از به ظاهر متخصصان اقتصادی روزنامه شما حتی نمی‌دانند ایران یک کشور واردکننده و مصرف‌کننده است، نه صادرکننده و اگر نفت را مستثنی کنیم ایران شدیداً دچار تراز منفی تجاری است زیرا نفت هم بیشتر به صورت خام صادر می‌شود و کالایی با ارزش افزوده نخواهد بود ولی با این وجود این کارشناسان اصرار دارند که ارزش پول ملی از این هم کمتر و ضعیف‌تر شود و در استدلال‌شان به تصمیم‌های اقتصادی کشورهایی مثل امریکا استناد می‌کنند. حال آنکه ایران مصرف‌کننده اگر پول ملی‌اش تضعیف شود، تراز منفی‌اش بیشتر و کالاهای وارداتی‌اش گران‌تر می‌شود.همین‌طور کارشناسان شما در مورد هدفمند کردن یارانه‌ها و محاسن آن تحلیل درستی ندارند و مسائل کلان و تورم لجام‌گسیخته را در نظر نمی‌گیرند.

یک مخاطب

■ **هدفمند کردن یارانه‌ها چه کمکی به رشد اقتصادی می‌کند:** کشوری که با ۵۰۰، ۶۰۰ میلیارد دلار درآمد نفتی رشد اقتصادی‌اش حدود یک درصد است و از کشورهایی مانند مصر و مغرب و... عقب‌تر افتاده است، حالا مگر با کاستن چند میلیارد دلار از یارانه‌ها قرار است چه اتفاقی در آن بیفتد؟

یک شهروند

■ **۱۳ آبان، مصاحبه‌هایی که جایشان خالی بود:** چرا به مناسبت روز ۱۳ آبان با فاتحان لانه جاسوسی مصاحبه نکردید. در ویژه‌نامه‌تان جای مصاحبه با آقایان اصغرزاده، عبدی، ضرغامی، سیف‌اللهی و خانم ابتکار خالی بود. این مصاحبه‌ها می‌تواند تاریخ‌نگاری خوبی از آن اتفاق باشد.

یک مخاطب

شرق: روز پنجشنبه سرمقاله را خانم ابتکار نوشته بود. در صفحه سه با خانم زهرا مجردی همسر آقای محسن میردامادی گفت‌وگو کرده بودیم و روز شنبه هم گفت‌وگو با آقای صادق طباطبایی چاپ شد.

■ **چرا پیگیر وضعیت زندانیان نیستید:** روزنامه «شرق» که یک روزنامه اصلاح‌طلب است چرا درباره زندانیان سیاسی و روزنامه‌نگارانی مثل خانم نظرآهاری و... صحبتی نمی‌کند.

جوانی از تهران

شرق: خانم شیوا نظرآهاری بیش از یک ماه پیش از زندان آزاد شدند و خبر آزادی ایشان هم چاپ شد.

■ **چند پرسش از سردار رویانیان:** در یکی از آژانس‌های مسافرتی شهر زنجان کار می‌کنم. می‌خواهم چند نکته را با آقای رویانیان در میان بگذارم. متاسفانه تعداد زیادی از کارت‌سوخت‌هایی که برای آژانس‌ها صادر شده است در دست کسانی است که معرف‌شان در موسسه اتومبیل کرایه کار نمی‌کنند. دیگر اینکه نمی‌دانم براساس چه استدلالی با کار افراد مجرد در آژانس‌های مسافرتی مخالفت می‌شود. من یک راننده مجرد ۳۵ ساله‌ام اما نه برایم کارت تردد صادر می‌شود، نه کارت سوخت. تحت حمایت هیچ بیمه‌ای هم نیستم. همچنین هزینه گازسوز کردن پراید از ۴۰۰ هزار تومان به ۸۰۰ هزار تومان رسیده است. چه کسی پاسخگوی چرایی این افزایش هزینه است؟ آقای رویانیان در این مورد چه مسوولیتی دارند. ضمناً وضعیت کارت سوخت و سهمیه بنزین نابسامان است و بازار سیاه ایجاد شده. شاید بهتر باشد کارت‌های سوخت را یک‌بار دیگر و سفت و سخت‌تر توزیع کنند.

شهروندی از زنجان

گفت‌وگو با صادق طباطبایی – بخش پایانی

دیگر کاری از دست ما برنمی‌آمد

ریحانه طباطبایی: گفت‌وگوی «شرق» با صادق طباطبایی به اینجا رسید که توافق وی با وارن کریستوفر تحویل مقامات ارشد کشور شد اما از آن طرف مذاکرات دیگری با امریکایی‌ها در الجزایر در جریان بود. بخش پایانی گفت‌وگوی ما با صادق طباطبایی را بخوانید.

– بالاخره در اجرای این توافقنامه یا قرارداد یا بیانیه، هرچه اسمش را بگذاریم، خواسته‌های ایران محقق شد؟

من چنین اعتقادی ندارم و اینجا هم جای بحث آن را نمی‌بینم چون باید به تفصیل و با حضور امضاکنندگان و مدافعان به بررسی آن پرداخته شود. خلاصه مطلب اینکه از بیان خواسته‌های دانشجویان برای آزادی گروگان‌ها نه استرداد شاه عملی شد و نه اموال او پس داده شد، حتی قسمتی از اموال بلوکه‌شده نیز بازپس داده نشد، کالاهای نظامی خریداری‌شده نیز تحویل داده نشد. فقط دانشجویان توانستند «به زیر کشیدن یا استعفای دولت موقت» را به نام خود ثبت کنند. اینجا هم لازم است بگویم هیچ‌گاه آقای بازرگان یا اعضای کابینه او آنچنان به صندلی قدرت نچسبیده بودند که لازم باشد به زیر کشیده شوند. حتی همان طور که گفتم قبل از این حادثه چند بار ایشان استعفا داده بود که البته هیچ‌گاه امام با آن موافقت نکرده بودند. همان زمان یکی از روزنامه‌های کثیرالانتشار طی تحلیل و تفسیری نزدیک به این مضمون نوشت: «این کار بزرگ دانشجویان توطئه امریکا را در زمینه نفوذ در مراکز بالای تصمیم‌گیری و اجرایی جمهوری نوپای اسلامی خنثی کرد.» آیا حق داریم منصفانه از خود بپرسیم امریکا در کدام مرکز بالای تصمیم‌گیری نفوذ کرده بود؟ در دولت موقت و نخست‌وزیر آن یا در شورای انقلاب به ریاست شهید بهشتی و با حضور آقایان خامنه‌ای و هاشمی‌رفسنجانی و باهنر و موسوی‌اردبیلی و...؟ کدام کار دولت بدون قانون مصوب شورای انقلاب انجام می‌شد؟ کدام عنصر رده بالای دولتی می‌توانست طرح و برنامه‌ای بریزد که دور از چشم و موافقت و نظارت شورای انقلاب باشد؟ کدام سند پیداشده در لانه جاسوسی موید این اتهام بود؟ وانگهی این سوال را چه کسی باید پاسخ دهد که چرا دانشجویان پیرو خط امام که معتقد شده بودند دولت موقت همسو با امریکا در مسیر استحاله نظام گام برمی‌دارد، اسناد و اطلاعات خود را در اختیار امام قرار ندادند تا ایشان دولت را عزل کنند یا لااقل با استعفای شادروان بازرگان مخالفت نکنند؟

در اینجا مجال آن را ندارم که از نخستین کارها و برنامه‌های انجام‌شده دولت موقت که در جهت تثبیت استقلال تمام‌عیار کشور از استیلای خارجی بود، نام ببرم. ان‌شاءالله گزارش همه اینها را در جلدهای چهارم و پنجم خاطرات خود خواهم آورد. اگر از یک یا دو یا چند عنصر از کارگزاران اجرایی آن زمان بگذریم که نظر مساعدی نسبت به آنان در تناسب با اهداف انقلاب و خط فکری امام وجود نداشت که البته جز در یکی دو مورد معلوم نیست با کدام مستندات و در کدام دادگاه مجال دفاع به آنان داده شد که از اتهامات خود دفاع کنند. اتفاقاً در دوره‌های پس از دولت موقت در مورد نفوذی‌های بیگانه موارد بسیاری وجود داشت که پرونده اتهامات آنان مورد رسیدگی قرار گرفته است. افرادی نظیر سرهنگ کبیری و سرهنگ عطاریان و ناخدا افضلی و ده‌ها فرد دیگر در کدام دوره در رده‌های بالای نظام مستقر شده بودند؟

اجازه دهید مطلبی را از صفحه ۶۲ جلد دوم خاطرات آقای ری‌شهری برایتان بخوانم: «کیانوری که تشکیلات مخفی را سازمان اطلاعاتی حزب معرفی می‌کرد، دستور داد افراد در گروه‌ها و احزاب سیاسی، ارگان‌ها و نهادهای دولتی نفوذ کرده و از آنها اطلاعات کسب کنند... کیانوری بر نفوذ در سپاه پاسداران انقلاب اسلامی تاکید می‌ورزید. به این ترتیب فعالیت‌های اطلاعاتی و نفوذ در عرصه‌های زیر انجام گرفت:

۱ – ارتش، ژاندارمری و شهربانی

۲ – سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، حزب جمهوری اسلامی و دیگر ارگان‌های جمهوری اسلامی

۳ – جمع‌آوری اطلاعات عمومی توسط کلیه اعضا...»

آقای ری‌شهری آنگاه اسامی برخی نفوذی‌های حزب توده را در سایر گروه‌ها ذکر می‌کند و در صفحه ۶۶ می‌نویسد: «حزب توده، ایجاد اغتشاش و بلوا در جامعه را وجهه همت خود قرار داده بود، ولی با زیرکی و سیاست ویژه‌ای می‌کوشید این امور را در پوشش واقعیت‌های اجتماعی ارائه کند تا موقعیت اجتماعی خود را حفظ کند و کسی نتواند این حزب را از معارضان نظام تلقی کند.... آنها به طور گسترده و بدون ذکر نام حزب، شعارهای ضدامریکایی و ضدامپریالیستی را با استفاده از بیانات امام و سایر مسوولان جامعه در سطح وسیعی بر در و دیوار شهرها می‌نوشتند.... و فضای بی‌اعتمادی و آشفتگی روانی را به جامعه پمپاژ می‌کردند... (ص ۷۰) حزب توده افراد نفوذی خود را در مراکز حساس و مهم، همچون مجلس شورای اسلامی، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و حزب جمهوری اسلامی، به طور ویژه از طریق تشکیلات مخفی یا برقراری ارتباط مستقیم توسط یکی از رهبران حزب با اشخاص نفوذی اداره می‌کرد.» به نوشته آقای ری‌شهری، حتی برخی افراد نفوذی در محل کار خود مراکزی را برای سازماندهی بهتر تدارک دیدند؛ از جمله در صدا و سیمای جمهوری اسلامی، سازمان برنامه و بودجه، مخابرات و مطبوعات؛ روزنامه‌های کیهان و اطلاعات...

... اعضای حزب با شرکت در راهپیمایی‌ها؛ تظاهرات، سخنرانی‌ها، نمازهای جمعه، مساجد، سمینارها، خط فکری شخصیت‌ها و نظرات مردم را رصد می‌کردند. آقای ری‌شهری در صفحه ۷۵ خاطرات خود همچنین از شخصی به نام سزاوار یاد می‌کند که توانسته بود در حزب جمهوری اسلامی تا رده‌های بالا نفوذ کرده و به اخبار مهم مملکتی دسترسی داشته باشد. او همچنین موفق شده بود «گزارش شرکت در جلسه ملاقات با سران بلندپایه حزب جمهوری اسلامی» را به رهبری حزب توده منتقل کند. ایشان سپس در ادامه می‌افزاید: «لازم به یادآوری است که تشکیلات نظامی – حزب توده از طریق افراد رده‌بالای خود مانند... «ناخدا افضلی» در القای نظرات سیاسی خود به مسوولان جمهوری اسلامی نهایت کوشش را می‌کردند...» ایشان همچنین اضافه می‌کنند که از ناحیه رهبری حزب توده «به تمام افراد توصیه شده بود همه جا تظاهر به اسلام – و انجام دستورات دینی – کنند».

همین جاهاست که شما به کاسه‌های داغ‌تر از آش و مسلمانان به قول امام خمینی «متشرع‌تر از حضرت علی» برمی‌خوردید. آقای ری‌شهری همچنین از صفحه ۱۳۳ به بعد کتاب خود از یکی دیگر از افراد نفوذی حزب توده به نام سرهنگ عطاریان نام می‌برد که تا عضویت در یکی از کمیسیون‌های شورای عالی دفاع بالا رفته و با شرکت منظم در جلسات شورای عالی دفاع هم توانسته با بالاترین مقامات نظام از رئیس‌جمهور و دیگر روسای دو قوه دیگر گرفته تا سران ارتش و وزارت دفاع و دیگر وزرا و نمایندگان امام مرتبط باشد و هم از کلیه اخبار و امور مملکتی و تصمیمات نظامی و مسائل جنگ و دیگر جریانات سری کشور مطلع شود و به سازمان متبوع خود گزارش دهد. اگر بخواهیم وارد این مقوله و تحلیل آن شویم مثنوی هفتاد من کاغذ می‌شود. بگذارید آن را در کتاب خاطرات من بخوانید.

– شما در خاطرات‌تان گفته‌اید چند هفته قبل از اشغال سفارت در دیداری با باروس لینگن کاردار امریکا در تهران به او اخطار داده بودید. آیا شما می‌دانستید سفارت قرار است اشغال شود؟

من از اشغال سفارت خبر نداشتم ولی مطمئن بودم با رفتن شاه به امریکا مردم ما بی‌تفاوت نخواهند بود و اگر مساله‌ای برای دیپلمات‌ها در تهران پیش بیاید حل آن برخلاف دفعات پیشین از عهده دولت خارج است.

– آقای لینگن در مصاحبه‌ای دو سال پیش گفته بودند پیش آقای بهشتی می‌روند و ایشان به او تضمین می‌دهند چنین اتفاقی نخواهد افتاد.

بله، کسی نمی‌دانست و مطمئن نبود که این اتفاق می‌افتد و آن زمان نیز شاه هنوز به امریکا نرفته بود. آقای دکتر ابراهیم یزدی نیز به آنها گفته بود برای آنکه ما بتوانیم مردم را قانع کنیم، پرونده پزشکی او را بدهید به ما یا اجازه دهید پزشکان ما او را معاینه کنند تا بتوانند مرض صعب‌العلاج او را تایید کنند و معلوم شود معالجه‌اش فقط در امریکا امکان‌پذیر است. اما آنها زیر بار نرفتند. من هم در میهمانی یکی از سفارتخانه‌ها در تهران که آقای لینگن را دیدم همین مطلب را به او گفتم و به او هشدار دادم شرایط کنونی کشور و تجربه تاریخی ملت ما چنین امری را حمل بر نیت انسانی شما و علاج کردن یک بیمار نخواهد کرد زیرا معتقدند شما می‌توانستید امکانات معالجه را برای شاه ایران در جای دیگر فراهم کنید. آنچه در بادی امر به ذهن مردم ما متبادر می‌شود تکرار تاریخ و ماجرای مرداد ۱۳۳۲ است و می‌پندارند؛ در پس این امر به ظاهر انسانی؛ یک نیت شیطانی نهفته است. اتفاقاً آقای لینگن با این بیان من به فکر فرو رفت. ولی به هر حال این اتفاق افتاد.

– از ۳۱ شهریور ۵۹ تا زمانی که دولت امور را در دست می‌گیرد دقیقاً در کشور چه اتفاق‌هایی رخ می‌دهد که جریان مذاکرات به این سمت می‌رود؟ و چرا شما نتوانستید کار را تمام کنید؟

والله اجمالاً گفتم چه شد. تفصیل ماجرا هم از حد این گفت‌وگو خارج است. در هر صورت با این تغییر مطمئن بودم آنچه تعهد شده بود انجام شود، محقق نخواهد شد و خیری در آن نمی‌دیدم.

– چرا خیری در آن نمی‌دیدید و می‌گفتید به سرانجام نمی‌رسد؟

عملاً که دیدید نشد.

– شما در گفت‌وگوهایتان به یک سلسله‌کارهای حساب‌شده برای مشوه کردن اذهان بزرگان اشاره داشتید و آنها را در حادثه‌آفرینی‌ها دخیل می‌دانید. ممکن است یک نمونه از آن را اینجا ذکر کنید؟

من به خاطرات و اظهارات حجت‌الاسلام ری‌شهری که سند بسیار خوب و محکمی در مورد این حرف من هست، اشاره کردم ولی به هر حال یک داستان را در همین زمینه برایتان می‌گویم.

– بفرمایید.

یک روز آیت‌الله شهید صدوقی در نماز جمعه یزد مطلبی را علیه مهندس بازرگان گفتند که خلاف واقع بود. وقتی با مهندس بازرگان در این مورد گفت‌وگو می‌کردم ایشان گفتند در پاکی و حسن نیت آقای صدوقی تردیدی ندارند، معلوم هست که اطلاعات غلطی به ایشان داده‌اند. گفتم آقای مهندس اما شما حق دارید در این باره از ایشان گله کنید. ایشان حداقل نباید در یک مکان عمومی چنین اظهاراتی بکنند، اما ایشان گفتند من سخنی نمی‌گویم و نهایتاً قرار بر این شد که من از طرف مهندس بازرگان این گله را به شهید صدوقی منتقل کنم.

مرحوم آیت‌الله صدوقی را من از زمان خردسالی‌ام می‌شناختم. ایشان در آن زمان عهده‌دار امور مالی دفتر پدربزرگم مرحوم آیت‌الله صدر بودند و از همان زمان هم مورد لطف و عنایت خاص ایشان قرار داشتم. خاطره‌ای را هم از دیدار با ایشان در پاریس و در حضور امام در خاطراتم آورده‌ام که اینجا دیگر تکرار نمی‌کنم. از این رو شخصاً تلفن کردم به آقای صدوقی که این سخنان شما در خطبه نماز جمعه خلاف واقع است. شما که همیشه به من دسترسی تلفنی دارید، می‌توانستید صحت آن را از من بپرسید. ایشان گفتند حق با شماست، کار خلافی صورت گرفته. نگذارید به گوش آقای بازرگان برسد. پاسخ دادم ایشان شنیده‌اند ولی کلاً نسبت به این قبیل اظهارات بی‌اعتنا هستند. چند روز بعد آقای مهدیان به من زنگ زدند که موافق هستی ترتیب یک ناهار را در منزل من بدهیم و از این دو بزرگوار بخواهیم با هم بنشینند و مساله را حل کنند، به طوری که کدورتی در دل مهندس بازرگان باقی نماند. به آقای مهدیان گفتم اصولاً آقای بازرگان آدم کینه‌ای نیست و خیلی زود دلش را از این تیرگی‌ها پاک می‌کند، ضمن اینکه در همان لحظه نخست هم حرف آقای صدوقی را بر گزارش‌های خلافی که به ایشان داده‌اند، حمل کرد. با وجود این، آن دعوت انجام شد و ملاقات بسیار خوبی هم بین آن دو صورت گرفت. پس از یکی دو روز آقای مهندس حریری به من زنگ زدند که شنیده‌ام جلسه خوبی بوده و اگر می‌توانی از طرف من از هر دو آقایان دعوت کن که ما نیز روز جمعه در باغ‌مان در کرج میزبان آنان باشیم. من نیز با هر دو صحبت کردم و خلاصه روز جمعه ناهار رفتیم کرج. دوستان زیادی از دولتمردان و تنی چند از شخصیت‌های روحانی هم آمده بودند. نماز به امامت آقای صدوقی برگزار شد و پس از صرف ناهار حدود ساعت سه یا چهار بود که آقای صدوقی متوجه شدند قرص دیابت خود را فراموش کرده‌اند. من از مهندس بازرگان اجازه گرفتم که آقای صدوقی را به تهران برسانم، چون با وسیله من آمده بودند. مهندس در ابتدا گفتند که بهتر است آنجا بمانم اما در نهایت با آقای صدوقی راهی تهران شدیم. شب تصمیم گرفتم برای دیدار با پدر و مادرم به قم بروم. حدود ساعت ۱۱ شب رسیدم قم. پدرم گفتند احمد آقا غروب اینجا بود و از دست تو شدیداً گله‌مند بود، بعد هم گفتند صادق این چه کاری بود که امروز کردی؟ گفتم چه کار کردم؟ گفتند شنیده شده که امروز عده‌ای در کرج برای تضعیف امام جلسه گذاشته‌اند و تو هم در آن حضور داشتی! گفتم من امروز در کرج بودم ولی برای تضعیف امام در کدام جلسه شرکت کرده‌ام؟! گفتند به هر حال به احمد آقا خبرهایی داده‌اند که از تو دلش سخت گرفته است. با شنیدن این مطلب رفتم منزل خواهرم؛ احمدآقا هنوز نیامده بود. زمانی که آمد و مرا آنجا دید بی‌درنگ گفت؛ صادق جریان امروز چه بود؟ گفتم تو بگو چه شنیده‌ای؟ گفت به ما خبر دادند توسط عده‌ای از سیاسیون مخالف و روحانیون مساله‌دار جلسه‌ای در باغی در کرج تشکیل شده و در آنجا قطعنامه‌ای تصویب شده علیه امام و روش رهبری ایشان و نیز حملاتی شده به مجموع روحانیت. پرسیدم چه کسی این خبر را به شما داده است؟ گفت یکی از دوستان دفتر به نقل از کس دیگری این مطلب را نقل کرده است. گفتم حتماً لازم است تعقیب کنید و ببینید منشأ و منظور این حرف چه بوده است. آنگاه سابقه و دلیل تشکیل آن میهمانی را برایشان توضیح دادم. ببینید چگونه چه ذهنیتی را برای مصادر امر می‌ساختند؟ اینها یکی دوتا نبود، روزی حداقل ۲۰ مورد از این اتفاق‌ها می‌افتاد. خب من این جریانات را دیده بودم. حالا بیایید کیفیت تشکیل جلسات مجلس شورای اسلامی و به هم خوردن آن هنگام طرح این مساله و کش دادن موضوع را تا زمانی که طرح مورد نظر به تصویب نهایی رسید؛ همه را در نظر داشته باشید. شما یک جریان انحرافی را نمی‌بینید؟ پیداست که عوامل دیگری برای اهداف دیگری وارد کار شده‌اند که با آنچه مورد نظر ما بود در تناقض بود وگرنه راه‌حل صحیح و سریع همان بود که انجام گرفته بود و خیلی زود می‌توانست به سرانجام برسد. من این تحلیل‌ها را داشتم و این اتفاقات را دیده بودم که می‌گفتم این مساله به سرانجام مطلوب نمی‌رسد و این راه به نفع کشور نخواهد بود.

– شما گمان نمی‌بردید که اگر وارد مذاکرات شوید به نفع کشور خواهد بود؟

خیر. من اصلاً نمی‌خواستم وارد شوم و تحلیل من چیزی بود که محقق شد، به طوری که بعدها خیلی داستان روی آن ساخته شد. به طور مثال گفته شد گروه راکفلر با احمد خمینی در پاریس دیدار داشته در حالی که احمدآقا از ایران اصلاً خارج نشدند. امریکایی‌ها می‌گفتند علت اینکه مساله گروگان‌ها حل نشد این بود که جمهوریخواهان می‌خواستند کارتر شکست بخورد و برای همین نیز دیداری با احمد آقا و دیگر مقامات ایرانی داشته‌اند و از آنها این مساله را خواسته‌اند که آزادی گروگان‌ها را عقب بیندازند.

– این یکی از معماهای سفارت نیز هست و در کتاب ۴۴۴ روز نیز آمده که یک نفر در فرودگاه مهرآباد مطمئن می‌شود که مراسم سوگند در امریکا برگزار می‌شود و خود کارتر نیز این را در خاطراتش تعریف کرده وقتی که من گره کراواتم را می‌زدم اعلام کردند هواپیما بلند شد، این روایتی که شما ذکر کردید روایت جدیدی است و تاکنون نیز منتشر نشده است. اما باز هم برمی‌گردم به آن ۴۸ ساعت، چه اتفاقی افتاد؟

من نمی‌خواهم در این باره صحبت کنم چراکه تبعاتی دارد و بسیاری از بازیگران آن حضور ندارند. و این دور از انصاف است.

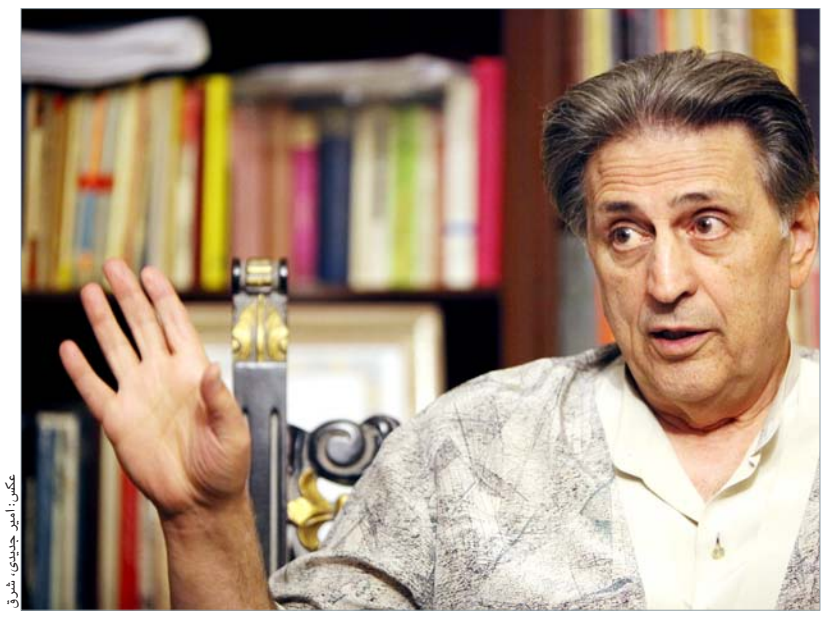

عکس: امیر جدیدی، شرق

نکته

من هم در میهمانی یکی از سفارتخانه‌ها در تهران که آقای لینگن را دیدم همین مطلب را به او گفتم و به او هشدار دادم شرایط کنونی کشور و تجربه تاریخی ملت ما چنین امری را حمل بر نیت انسانی شما و علاج کردن یک بیمار نخواهد کرد زیرا معتقدند شما می‌توانستید امکانات معالجه را برای شاه ایران در جای دیگر فراهم کنید. آنچه در بادی امر به ذهن مردم ما متبادر می‌شود تکرار تاریخ و ماجرای مرداد ۱۳۳۲ است و می‌پندارند؛ در پس این امر به ظاهر انسانی؛ یک نیت شیطانی نهفته است.

حاشیه سیاست

یارانه «ازدواج»

وزارت ارشاد به فیلم‌هایی که برای ازدواج فرهنگ‌سازی می‌کنند، یارانه می‌دهد. به گزارش ایلنا مهرداد بذرپاش رئیس سازمان ملی جوانان با اعلام این خبر گفت: سازمان ملی جوانان با وزارت ارشاد توافقاتی در رابطه با فرهنگ‌سازی در زمینه ازدواج انجام داده و قرار است وزارت ارشاد به فیلم‌هایی که برای ازدواج فرهنگ‌سازی می‌کنند و به تشویق جوانان برای ازدواج می‌پردازند یا تحکیم خانواده را تبلیغ می‌کنند یارانه اختصاص دهد. وی ادامه داد: سازمان ملی جوانان با وزارت ارشاد نیز توافقاتی انجام داده که به رسانه‌های مکتوب و خبرگزاری‌هایی که در زمینه ازدواج فرهنگ‌سازی می‌کنند یارانه تعلق خواهد گرفت. اکنون بر اساس توافقات صورت گرفته ۲۰ درصد یارانه‌ها به رسانه‌هایی که در زمینه تحکیم خانواده و تشکیل خانواده فرهنگ‌سازی می‌کنند، تعلق می‌گیرد.

گزارش اطلاعاتی از علت عدم بازداشت کاندیداهای معترض

یکی از سایت‌های نزدیک به دولت اظهاراتی منتسب به یکی از مسوولان ارشد دستگاه اطلاعاتی کشور را درباره علت عدم بازداشت کاندیدای معترض به انتخابات و رمزگشایی از ای‌میل‌ها منتشر کرد؛ گزارشی که گویا بخشی از سخنرانی این مقام مسوول در دیدار با جمعی از پرسنل نیروهای مسلح است که ابتدا در «مشرق» و سپس در «جهان» سایت منتسب به علیرضا زاکانی نماینده اصولگرای تهران منتشر شد. بنا بر این گزارش‌ها این مقام ارشد اطلاعاتی از بررسی وضعیت اقتصادی «سران فتنه و اطرافیان» آنها در داخل و بیرون از کشور از سوی وزارت اطلاعات خبر داده و گفته است: این وضعیت اقتصادی در دوران سازندگی، اصلاحات و دیگر موقعیت‌ها بررسی شده و فهمیدیم که آنها با چه تدبیری در مسائل اقتصادی (تحت عناوین مختلف حتی خیرخواهانه) حرکت کرده‌اند.

وی نتیجه این بررسی‌ها را بسیار قابل توجه و اسفبار توصیف کرده و افزوده است: برای ارائه این بررسی‌ها، برنامه‌های خاصی داریم. اگر اکنون عدد هزینه شدن ۱۷ میلیارد و ۷۰۰ میلیون دلار توسط استکبار در جنگ نرم مطرح می‌شود، این رقم منهای هزینه‌هایی است که منافقین، گروه‌هایی مثل گروهک ریگی، سلفی و گروه‌های مختلف غرب و شرق کشور از غرب دریافت می‌کنند و این هزینه‌ای است که در جنگ نرم پرداخت شده است و هزینه مستقیم نیست. این مقام مسوول در بخش دیگری از سخنانش گفته است: پس از آنکه امریکایی‌ها متوجه شدند ما سرخط‌های مجازی فتنه را شناسایی کرده‌ایم، سریعاً تمام ای‌میل‌ها را کدگذاری و تبدیل به رمز کردند. البته به لطف خدا ظرف ۲۴ ساعت تمام این رمزها باز شد. وی سپس با طرح این موضوع که این روزها این پرسش پیش آمده که «چرا به وضعیت سران فتنه رسیدگی نمی‌شود»، گفت: ما نیاز به روشنگری داریم. اتفاقاً آنها دنبال همین می‌گردند که دستگیر شوند. حتی برخی شب‌ها جلسه خداحافظی می‌گذارند و می‌گویند فردا ما را می‌گیرند! البته روشنگری به این معنا نیست که اینها را رها کنیم. به هیچ وجه این‌گونه نیست. وی همچنین همراهی قوه قضائیه در این زمینه را مناسب ارزیابی کرد.

من نبودم، استراو بود

«ایرنا» نعل وارونه زد. یک روز بعد از آنکه دعوت جک استراو از سوی علی لاریجانی که البته از سوی «ایرنا» خبرگزاری رسمی دولت منتشر شده بود، تکذیب شد این خبرگزاری اینچنین گزارش داد که «چند نفر از نمایندگان مجلس شورای اسلامی در گفت‌وگو با خبرنگار گروه سیاسی ایرنا تاکید کردند اظهارات آقای استراو صحت ندارد و او قطعاً دچار اشتباه شده است.» ایرنا در شرایطی این خبر را روی خروجی‌اش قرار داد که نخستین منبعی بود که این شایعه را منتشر و بلافاصله با برخی از نمایندگان در محکوم کردن اقدام خیالی لاریجانی مصاحبه کرده بود. ایرنا اما دیروز ضمن «ادعا» خواندن اظهارات استراو نوشت: «منابع مستقل خبری ادعاهای مطرح‌شده از سوی جک استراو وزیر امور خارجه پیشین انگلیس مبنی بر دعوت آقای لاریجانی از وی را خلاف واقع خواندند.»

پیشی گرفتن سایت «تهران» از «ایران»

صفحه ورودی و اطلاعات مربوط به دانشگاه «ایران» با انحلال آن بلافاصله تغییر کرد چراکه به گزارش آتی‌نیوز، کاربران با مراجعه به سایت اینترنتی این دانشگاه به سایت اینترنتی که مربوط به دانشگاه تهران است وارد می‌شوند.

عدلیه

تجدید وقت سه تبعه امریکایی

وکیل‌مدافع شین بائر، جاشوا فتال و سارا شورد از تجدید جلسه رسیدگی دادگاه به دلیل عدم حضور موکلانش در جلسه روز شنبه خبر داد. مسعود شفیعی در گفت‌وگو با ایسنا اظهار کرد: بر اساس احضاریه ارسالی از سوی دادگاه انقلاب قرار بود روز شنبه ۱۵ آبان‌ماه جلسه رسیدگی به اتهام موکلانم (شین بائر، جاشوا فتال و سارا شورد) در شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب به ریاست قاضی صلواتی برگزار شود اما این جلسه تجدید شد. وی با بیان اینکه من در جلسه دادگاه حاضر شدم، خاطرنشان کرد: به‌رغم احضار «شین بائر» و «جاشوا فتال» برای حضور در جلسه دادگاه، ولی آنها از زندان به دادگاه منتقل نشدند. وی در مورد حضور «سارا شورد» در جلسه دادگاه نیز گفت: سارا شورد برای حضور در جلسه دادگاه احضار نشده بود بنابراین تکلیف قانونی برای حضور نداشت.

برگزاری دادگاه ابوالفضل قدیانی

دادگاه ابوالفضل قدیانی فعال سیاسی در شعبه ۲۸ دادگاه انقلاب برگزار شد. قدیانی هفتم دی‌ماه سال گذشته به اتهام توهین به رئیس‌جمهور دستگیر و روانه زندان اوین شد.

نازنین خسروانی در زندان اوین نیست

خانواده نازنین خسروانی روزنامه‌نگاری که چهارشنبه گذشته در تهران دستگیر شده هنوز از محل نگهداری او بی‌خبر هستند و طبق گفته مسوولان زندان اوین، نام او در میان فهرست ثبت‌شده زندانیان اوین وجود ندارد. اعظم افشاریان مادر نازنین خسروانی با بیان این مطلب به شرق گفت: «اکنون چهار روز از بازداشت نازنین می‌گذرد و ما اصلاً از او هیچ خبری نداریم.» نازنین خسروانی صبح چهارشنبه ۱۲ آبان‌ماه بازداشت شد.

اعلام نظر دادگاه در مورد «موج»

هیات منصفه دادگاه مطبوعات نظر خود را درباره پرونده خبرگزاری «موج» اعلام کرد. به گزارش ایسنا، روز گذشته جلسه رسیدگی به پرونده خبرگزاری «موج» در شعبه ۷۶ دادگاه کیفری استان تهران با حضور هیات قضایی و هیات منصفه برگزار شد و پس از اخذ دفاعیات متهم، هیات منصفه برای اعلام نظر وارد شور شد و در پایان مدیرعامل موج را در مورد اتهام نشر اکاذیب به قصد تشویش اذهان عمومی به اتفاق آرا مجرم ندانست. همچنین هیات منصفه مطبوعات به مدیرعامل این خبرگزاری تذکر داد که در تنظیم خبرها رسالت مطبوعاتی را مراعات کنند و نسبت به تنظیم اخبار دقت حرفه‌ای را در نظر گیرند.

برگزاری پانزدهمین همایش اسکودا

اتحادیه سراسری کانون‌های وکلای دادگستری ایران (اسکودا) اعلام کرد تغییرات آزمون ورودی وکالت مورد بررسی قرار می‌گیرد. به گزارش ایسنا پانزدهمین همایش اتحادیه سراسری کانون‌های وکلای دادگستری ایران طی روزهای ۱۹ و ۲۰ آبان‌ماه جاری به میزبانی کانون وکلای دادگستری مازندران در این استان برگزار خواهد شد و در این همایش که روسا و اعضای هیات مدیره تمامی کانون‌های سراسر کشور حضور خواهند داشت نسبت به دستور کار این تشکل تصمیم‌گیری خواهد شد.

ابقای ناصر سراج در هیات نظارت بر مطبوعات

رئیس قوه قضائیه طی حکمی «ناصر سراج» را در سمت نماینده این قوه در هیات نظارت بر مطبوعات ابقا کرد. به گزارش ایسنا، ناصر سراج معاون دادستان کل کشور برای چهارمین بار در سمت نماینده